



ابراهیم(ع) نخستین پیامبر بین‌المللی است/ ابراهیم(ع) کی و کجا می‌زیست/ شباهت‌های حضرت ابراهیم(ع) و امام رضا(ع)

نویسنده کتاب «دو پیشوای ملل، حضرت ابراهیم(ع) و حضرت رضا(ع)» می‌گوید: خداوند متعال حضرت ابراهیم(ع) را قریب ۴۰۰۰ سال قبل به نبوت و امامت برگزید و شخصیتی در انبیاء نداریم که مانند ایشان این همه سیر کرده باشد و تا شمال آفریقا هم سفر کرده باشد.

نویسنده کتاب «دو پیشوای ملل، حضرت ابراهیم(ع) و حضرت رضا(ع)» می‌گوید: خداوند متعال حضرت ابراهیم(ع) را قریب ۴۰۰۰ سال قبل به نبوت و امامت برگزید و شخصیتی در انبیاء نداریم که مانند ایشان این همه سیر کرده باشد و تا شمال آفریقا هم سفر کرده باشد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، عید قربان یکی از بزرگترین اعیاد مذهبی مسلمانان است و واقعه جاودانه قربانی‌شدن جناب اسماعیل توسط پدر را یادآوری می‌کند. آنچنان که از تاریخ بر می‌آید، حضرت ابراهیم 86 ساله بود که اسماعیل ولادت یافت. در قرآن کریم نیز به این موضوع از زبان حضرت ابراهیم(ع) اشاره شده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ»؛ سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی اسماعیل و اسحاق را به من بخشید [39/ابراهیم]. البته روایاتی هم هست که سن ابراهیم را در این هنگام 64 و 117 سال ذکر کرده‌اند.

از روایات عهد عتیق چنین بر می‌آید که اسماعیل تا 14 سالگی نزد پدر بود و به فرموده قرآن کریم، در این هنگام حضرت ابراهیم او و هاجر را راهی سرزمین مکه می‌کند: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُونِهَا بَوَادٍ غَيْرَ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»؛ پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی‌آب و علفی در کنار خانه‌ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند [37/ابراهیم].

به روایت تورات سالیانی پس از این موضوع، ابراهیم به حکم خداوند پسر خود اسحاق را برای قربان کردن به زمین موریآ برد، و وقتی برای این کار آماده شد و کارد را بر گلوئی فرزند گذاشت، خداوند قوچی را فرستاد تا به جای اسحاق قربانی شود. در قرآن (صافات/ آیه 101-107) نیز از این قربانی یاد شده است، ولی نامی از اسحاق یا اسماعیل در میان نیست. (+برای مطالعه بیشتر)

به هر حال حضرت ابراهیم(ع) از آن پس در بئر شبع، همانجا که به روایت عهد عتیق، اسماعیل و هاجر ساکن شدند، مقام گرفت و اکنون سنت قربانی کردن به یک واجب برای حاجیان بیت‌الله الحرام بدل شده است.

درباره مقام حضرت ابراهیم(ع) و به مناسبت فرا رسیدن عید قربان با ابوالفضل خوش‌منش رئیس مرکز هماهنگی، توسعه، پژوهش و آموزش عالی قرآنی و نویسنده کتاب «دو پیشوای ملل، حضرت ابراهیم(ع) و حضرت رضا(ع)» گفت‌وگو کردیم.

* آقای دکتر به عنوان نخستین سؤال بفرمایید چرا این اسم را برای کتاب خودتان انتخاب کردید؟

– دو پیشوای ملل عنوان اصلی کتاب است و عنوان فرعی، «حضرت ابراهیم و حضرت رضا(ع)» است. در واقع یک بررسی تطبیقی میان سیره این دو پیشوا و امام در کتاب انجام شده است.

کلمه «پیشوا» معادل کلمه «امام» هست، هرچند این معادل ممکن است به معنای کامل، وافی به مقصود نباشد اما کوشش کرده‌ام ردیف آن قرار گیرد. «ملل» هم ناظر به ملت است که در قرآن کریم معادل کیش و آیین آمده است و ترکیب «ملت ابراهیم» را در قرآن زیاد می‌بینیم، یعنی کیش و آیینی که حضرت ابراهیم(ع) از خودش در جهان به جا گذاشته است. درباره عنوان فرعی هم، این کتاب می‌کوشد بین حضرت ابراهیم و امام علی بن موسی الرضا(ع) مقارنه‌ای به عمل آورد.

* این مقارنه و شباهت‌ها از چه جهت اهمیت دارد؟

– به نظر بنده میان این دو شخصیت شباهت‌های بسیاری است که در دنیای امروز به چند دلیل باید به آن‌ها توجه کرد. از جمله شخصیت حضرت ابراهیم(ع) که یک شخصیت بزرگ و محترم میان ادیان مختلف جهان از جمله یهود و مسیحیت و اسلام است. دانشمندان غربی یک تقسیم‌بندی دارند به نام ادیان ابراهیمی و ادیان غیرابراهیمی. از منظر قرآن کریم، این تقسیم‌بندی با همه اشتباهی که در دنیا دارد، اما دقیق نیست! جناب ابراهیم حق بزرگی بر دیانت – آن هم دیانت همراه با تعقل و احتجاج فکری – دارد و این موضوع صرفاً به ادیان ابراهیمی محدود نمی‌شود.

دیگر اینکه، جناب ابراهیم(ع) پیامبر توحید و گرایش به فکرت و فطرت است و آیین حنیف و حق‌گرا و معتدل و دارای تعقل از آن اوست و از سوی ایشان بنیاد شده است.

شخصیت بزرگی بسان فیلسوف ذوالفنون علامه شعرانی -که شخصیت‌های بزرگی مانند آیت‌الله جوادی آملی و علامه حسن‌زاده آملی از شاگردان ایشان هستند- در کتاب ارزشمند نثر طوبی عبارتی با این مضمون دارند: می‌توان گفت که حکمای جهان از احتجاجات و براهین ابراهیم(ع) به آیین خرد و توحید و برهان رهنمون شده‌اند. یعنی حق ابراهیم(ع) فقط در مناسک نیست بلکه در مسئله تعقل نیز وجود دارد و مشهود است.

* قبل از اینکه به ادامه بحث بپردازیم کمی درباره حضرت ابراهیم(ع) بگویید، مثلاً اینکه در کدام منطقه امروزی زندگی می‌کردند؟

– جناب ابراهیم در سرزمین بین‌النهرین ظهور کرده و یک شخصیت اور کلدانی است. البته در تواریخ اختلافات جزئی در این باره وجود دارد. این سرزمین قریب به 10 هزار سال است که یک مکان پر رفت‌وآمد و پر کنش است و از زمانی که سنگ و چوب به عنوان سلاح وجود داشت تا به امروز، بر سر این سرزمین کشمکش وجود داشته و دارد و خون‌های بی‌گناه بسیاری در این سرزمین ریخته شده است.

ابراهیم(ع) حدود ۴۰۰۰ سال قبل پرچم تعقل، حق‌گرایی و حنیف بودن را در این سرزمین برافراخت.

* منظور از «حنیف» چیست؟

– قطب‌نمایی را فرض کنید که روی زمین می‌گذاریم و عقربه تا وقتی بخواهد جهت را نشان دهد، به این طرف و آن طرف حرکت می‌کند تا جهت صحیح را پیدا کند و رو به نقطه‌ای ثابت شود. حنیف آن زمانی است که نقطه اصلی و درست پیدا می‌شود. جناب ابراهیم(ع) شخصیتی است که جاهای مختلفی را دیده، آیین‌های بسیاری را دیده، و با قوم خورشیدپرست و ستاره‌پرست خویش - هرچند در ظاهر - همدم و همساز شده است. او هم گفته: هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفْلَتَ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ؛ این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است، اما هنگامی که غروب کرد گفت ای قوم! من از شریک‌هایی که شما (برای خدا) می‌سازید بیزارم! [سوره انعام، آیه 78]

این دعایی که قبل از هر نمازی خواندنش توصیه شده، از حضرت ابراهیم(ع) است: إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا؛ من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده، من در ایمان خود خالصم. [سوره انعام، آیه 79]

خداوند متعال چنین شخصیتی را قریب 4000 سال قبل در سرزمین نمرود فرود آورده و چنین معارف عمیقی را ارزانی بشر داشته است. حضرت ابراهیم، تمدن‌ها را درک کرده، آیین‌ها و رنگ‌های مختلف تعبد و پرستش را دیده و جدای از بین‌النهرین، در شام و مصر نیز حاضر شده که نقاط تمدنی آن سرزمین بوده‌اند. سپس مأمور می‌شود خانه خدا را در صحرای سوزانی بنا کند تا از نسل این پیامبر بزرگ جهانی و به تعبیری پیامبر نخستین، یک امت مسلم پیدا شود.

* جنابعالی از حضرت ابراهیم(ع) به عنوان «پیامبر نخستین» یاد کردید. این تعبیر به چه معناست؟

– درست است که قبل از حضرت ابراهیم(ع)، پیامبر اولوالعزمی به نام حضرت نوح(ع) هم وجود داشت، اما آن شخصیتی که راه و رسمش و دعوتش طبق دعای خودش (وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ) باقی ماند، جناب ابراهیم است. وقتی به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم و دعاهای حضرت را می‌بینیم از جمله اینکه «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرْنَا مَنَاسِكَتَكَ وَتَبَّ عَلَيْنَا؛ پروردگارا! ما را تسلیم فرمان خود قرار ده و از دودمان ما امتی که تسلیم فرمانت باشد به وجود آور، و طرز پرستش خودت را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر» (بقره/128) متوجه می‌شویم همگی مستجاب شده‌اند.

در نسل جناب ابراهیم شخصیت پیامبر اکرم(ص) و اهل بیت ایشان قرار داده شده و هر کدام در یک صحنه‌ای از صحنه‌های پیچیده تاریخ بشر حاضر شده‌اند و ایفای نقش کرده‌اند.

* به ارتباط حضرت ابراهیم(ع) و اهل بیت اشاره کردید. این ارتباط درباره امام رضا(ع) چه حالت ویژه‌ای دارد؟

– تاریخ امامت شیعه اثنی‌عشری تاریخ عمر انسانی است کامل با عمر 1200 ساله در انواع و اقسام صحنه‌های اجتماعی.

از عمر این انسان، حدود 230 سال به شکل متجسم و فیزیکی در میان مردم بوده، گاهی به شکل علی بن ابی طالب(ع) ظاهر شده، گاهی حسن بن علی و گاهی حسین بن علی(ع) تا برسد به علی بن موسی الرضا(ع) این امام رؤف و این شخصیت بزرگ بین‌المللی.

ما شخصیتی در میان انبیاء مذکور نداریم که مثل حضرت ابراهیم(ع) این همه سیر کرده باشد و تا شمال آفریقا هم سفر کرده باشد. در میان جانشینان پیامبر خاتم(ص) نیز -که از نسل ابراهیم است- امامی جز علی بن موسی الرضا(ع) نداریم که تا شرقی‌ترین نقطه آمده باشد. سیره هر دوی این بزرگوار نیز به نحوی با موضوعی که امروز به آن «تمدن بشری» می‌گوییم، گره خورده است. جناب ابراهیم با تمدن بین‌النهرین و شام و مصر، و حضرت رضا(ع) با تمدنی که در ایران عنقریب شکل می‌گیرد. به بیان دیگر، حضور امام رضا(ع) در ایران از حیث زمانی و مکانی و از جهت تاریخی و جغرافیایی یک حضور خاص است. برخی تحلیلگران تاریخ امامت اشاراتی دارند که اگر مأمون حضرت را به اجبار به ایران نمی‌آورد، چنین بر می‌آید خود حضرت با رغبت به ایران می‌آمد، به دلیل اهمیتی که ایران داشت و نقشی که به لحاظ تاریخ و جغرافیایی می‌توانست در تاریخ اسلام و بشر ایفا کند و این اتفاق هم افتاد.

* دیگر شباهت‌های حضرت ابراهیم(ع) و امام رضا(ع) که در کتابتان به آن اشاره کردید، چیست؟

– هر دو امام هستند، با این اوصافی که از حیث تمدنی ذکر شد. وقتی می‌گوییم «امام» از این جهت که نخستین شخصیتی است که در قرآن کریم به او نشان افتخار «قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» اعطا شده است.

اولین امام، ابراهیم(ع) است و آخرین امام نیز به نحوی حضرت رضا(ع) است. چرا می‌گوییم آخرین امام؟ چون عملاً شیعه‌ای که هشت امامی باشد، دوازده امامی هم هست. شاید یک زمانی یک ادعاهایی بوده است اما شیعه‌ای که به هشت امام برسد، می‌شود دوازده امامی. این ترکیب 8 و 4 را هم در ادبیاتمان زیاد داریم، به قول باباطاهر عریان: «از آن روزی که ما را آفریدی / بغیر از معصیت چیزی ندیدی / خداوند به حق هشت و چارت / ز من بگذر، شتر دیدی ندیدی»

جهت دیگری که می‌گوییم امام رضا(ع) به نحوی امام آخر هستند، این است که ایشان آخرین امام حاضر در میان مردم است و از امام نهم به بعد، اوضاع انقدر سخت می‌شود که آن بزرگواران کم‌کم در محاق غیبت فرو می‌روند، ضمن اینکه ذهن مردم نیز برای قضیه غیبت و محرومیت سنگین آن باید آماده شود.

ابراهیم(ع) پیامبر برهان و احتجاج و استدلال‌های توحیدی است و مناظرات ایشان با آزر، بت‌پرستان، ستاره‌پرستان و نمرود در تاریخ جاودانه شده، امام رضا(ع) نیز پیشوای مناظره و احتجاج است. حضرت ابراهیم(ع) میان ادیان مختلف محترم و معتبر است، علی‌بن موسی‌الرضا(ع) نیز با شخصیت‌های زمان خود وارد آن احتجاجات جاودانه می‌شود. البته این را هم به عنوان آخرین عرض بگویم که امام رضا(ع) هنوز به اندازه عظمتی که دارد برای مردم جهان به ویژه موحدان و اندیشمندان شناخته شده نیست و این قصور از جانب ماست